

مثلهای انجیل

ریموند براون

سطح متوسط

مثلهای انجیل

ریموند براون

این کتاب ترجمه ای است از :

THE PARABLES OF THE GOSPELS

BY: RAYMOND E. BROWN, S.S.

1963 PAULIST PRESS

فهرست

۵	مقدمه
۷	۱- مثل چیست؟
۱۴	۲- مثل‌های انجیل
۲۳	۳- مسائلی که در مثلها با آنها روبرو می‌شویم
۳۹	۴- فهرست مثلها
۴۶	سؤالاتی برای بحث گروهی



این جزوه برای کمک به مطالعهٔ مثل‌های عیسی منظور شده است. اصول کلی برای تفسیر تمام مثل‌ها و همچنین نمونه‌های کافی برای روشن کردن این اصول داده شده است. پس از مطالعهٔ این اصول، می‌توان آنها را در مورد مثل‌هایی که در آخر این جزوه ذکر شده‌اند بکار برد. متأسفانه کتاب جدید و مناسبی از یک نویسندهٔ کاتولیک دربارهٔ مثل‌ها وجود ندارد تا بتواند ما را در مطالعهٔ بیشتر این موضوع یاری دهد اما استفادهٔ آگاهانه از این جزوه، حداقل می‌تواند به درک بهتر مثل‌ها و لذت بردن از آنها کمک کند.



مقدمه

بسیاری از تعالیم عیسی مسیح بصورت «مثل» بود: «او بدون مثل با مردم سخن نمی‌گفت» (مرقس ۴: ۳۴). او نه تنها از مثل‌ها برای تشریح تعالیم خود استفاده می‌کرد بلکه عملاً بوسیلهٔ آنها تعلیم می‌داد. اگر چکیدهٔ پیام او فرا رسیدن ملکوت خدا بود (مرقس ۱: ۱۵) مژده و توصیف آن ملکوت از طریق مثل به مردم گفته می‌شد.

در ابتدا ممکن است بنظر آید مثل‌ها که با تصاویر تعریف می‌شوند احتیاج به توضیح چندانی ندارند اما در حقیقت یکی از مشکل‌ترین قسمت‌های متون انجیل را تشکیل می‌دهند. هرگز نباید فراموش کنیم که پیام انجیل خطاب به یک عده شنوندهٔ قرن اول بود. درست است که انجیل برای هر زمان و مکانی گویا و با مفهوم است ما برای پی بردن به این مفهوم انسان باید وقت و همت خود را صرف درک طرز تفکر، روحیات و اوضاع قرن اول بنمایند. هر انسانی می‌تواند ثروتی روحانی از انجیل بیابد اما برای یک شخص تحصیل کرده که می‌خواهد مطابق سطح معلوماتش از انجیل حقیقت روحانی بگیرد باید به مطالعه و تحقیق پردازد.

دیگر نسبت داده می شود. مثلاً: «شما نمک زمین اید» (متی ۵: ۱۳)، «من نور جهان هستم» (یوحنا ۸: ۱۲)، «از خیمه‌مایه فریسیان احتیاط کنید» (مرقس ۸: ۱۵). استعاره از تشبیه ادبی تر بوده و غالباً در شعر بکار می رود.

ب- اشکال دقیق تر تصویر مطالب در واقع توسعه و بسط تشبیه و استعاره هستند.

حکایت (افسانه) عبارتست از یک تشبیه توسعه یافته به همراه داستانی که بر تخیل بنا می شود. همه ما با حکایت کلیله و دمنه آشنایی داریم، حکایاتی که در آنها برای نشان دادن فضایل و رزایل انسانی، توانایی‌ها و احساسات بشری از طریق حیوانات بیان می شود. در کتاب داوران ۹: ۷-۱۵ یک حکایت تعریف شده است.

مثل یک تشبیه توسعه یافته است که اگر چه ساختگی و خیالی اما در زندگی حقیقت دارد. امروزه یکی از متداولترین کاربردهای مثل در سخنرانیها و موعظه هاست. در اینجا گوینده با یک داستان نکات اخلاقی یا «حق مطلب» را بیان می کند.

کنایه به استعاره توسعه یافته ای گفته می شود که در طول داستانی دنباله دار امتداد پیدا می کند و هدف آن شخصیت بخشیدن به یک حقیقت انتزاعی است. از آنجا که کنایه دارای ترکیب ادبی بسیار بالایی می باشد تمام جزئیات و شخصیت‌های روایت، اهمیتی منحصر بفرد دارند. در افسسیان ۶: ۱۳-۱۷ کنایه ای از پولس در مورد سلاح نجات وجود دارد.

۱. مثل چیست؟

مثل (Parable) یکی از اشکال بیان است که از کلمه یونانی *Parabole* وارد زبان انگلیسی شده و واژه ای است فنی که در سخنرانی قدیم بکار می رفت. مفهوم ضمنی این کلمه به معنی در کنار هم قرار دادن مطالب و اشیاء به منظور مقایسه است. از آنجا که بسیاری از مطالعات منلهای عیسی بوسیله همین کار برد فنی روشن می شوند، یادآوری چند نکته درباره شیوه های مناسب بیان می تواند ما را در این مورد کمک کند.

الف- اساسی ترین اشکال تصویر مطالب عبارتند از تشبیه (Simile) و استعاره (metaphor).

در تشبیه برای روشن ساختن و تصویر نمودن مطالب، یک موضوع با موضوعی دیگر مقایسه می شود (در تشبیه اغلب از کلمات «مانند» و «مثل» استفاده می شود). مثلاً: «وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که مانند قبور سفید شده می باشید» (متی ۲۳: ۲۷). این نوع بیان در گفتگوهای روزمره بسیار متداول است و مؤثرترین نحوه توصیف می باشد: مثلاً او مثل نی قلیان است، او مانند مترسک است.

استعاره تشبیه فشرده ای است که در آن عنصری با عنصر دیگر شناخته و معادل می شود یا آنکه کیفیت یک چیز مستقیماً به چیزی

اورشلیم جایگاه شادی اولیه، اریحا فناپذیری انسان، دزدانی که آدم با آنها روبرو شد شیطان و فرشتگانش هستند که جاودانگی ویرا از تنش بیرون آوردند. مرد سامری مسیح، کارونسرا کلیسا و صاحب کارونسرا پولس می باشد... این مثل عامیانه عیسی بصورت کنایه ادبی بسیار پیچیده و مفصلی در آمده است.

قضاوت ما درباره این تفسیر که امروزه از دیده گاه ما بیشتر تخیلی می نماید، باید از ساده پنداری بیش از حد بر حذر باشد. پدران کلیسا در ماورای تمام این کنایه ها غالباً در مثلهای مورد مطالعه به یک تفسیر معتبر و بنیانی دست می یافتند. روش کنایه را بایستی با توجه به زمینه کاربرد کتاب مقدس توسط پدران کلیسا درک کرد. کتب مقدسه اساس تعلیم و آموزش دینی کلیسا بود و تمام علوم الهی از کتاب مقدس تعلیم داده می شد. آگوستین در مورد فوق الذکر قصد داشت شنوندگان خود را درباره گناه اولیه و رستگاری تعلیم دهد و از این مثل بعنوان یک وسیله آموزشی استفاده می کرد. اگر گریگوری کبیر می خواست درباره حواس پنجگانه و قوای دوگانه روح موعظه کند چه راهی بهتر از این که موضوع را با مثل پنج، دو و یک قنطار طلا توضیح دهد (متی ۲۵: ۱۴-۳۰)؟

واکنش در مقابل تفسیر کنایه ای

مفسرین مسیحی قرنهای متمایل به استفاده از روش کنایه در مورد

بنابراین از لحاظ تئوری، کاربرد فنی و کلاسیک «مثل» از «کنایه» متمایز می باشد. در مثل جزئیات و شخصیتها معنای مجازی ندارند و مهمترین نکته درسی است که در داستان وجود دارد. جزئیات فقط برای رسیدن به این نکته اساسی گنجانده شده است. تفاوت دیگر این است که شیوه بیان «مثل» (همانند تشبیه) عامیانه بوده و چندان ادبی نیست. اما در عمل اغلب نشانه هایی از «کنایه» را در «مثل» مشاهده می کنیم. به عبارت دیگر ممکن است داستانی با یک نکته اصلی (مثل) داشته باشیم و با این وجود بعضی از شخصیتهای داستان دارای ویژگیهای مخصوص بخود باشند. از همان قرن اول مسیحیت، یکی از بزرگترین سخنوران لاتین بنام کوینتیلیان (Quintilian) چنین تداخلی را درک کرده بود.

کاربرد کنایه توسط پدران کلیسا

اهمیت درک این شیوه های بیان زمانی معلوم می شود که تاریخچه تفسیر مثلهای انجیل را بطور خلاصه مرور کنیم. پدران کلیسا در تفاسیر خود، مثلهای عیسی را کنایه بحساب آورده اند. البته ایشان تشخیص می دادند که «مثل» داستانی است حاوی یک نکته لیکن در عین حال تمامی جزئیات برای آنها حائز اهمیت بود. شاید مشهورترین مثال، تفسیر آگوستین قدیس بر مثل سامری نیکو باشد (لوقا ۱۰: ۳۰-۳۷). مردی که از اورشلیم به اریحا می رفت آدم بود،

اولیه تلقی نمود.

سه مثل دیگر نیز در اناجیل شرح داده شده اند که عبارتند از: «برزگر» (مرقس ۴: ۱۳-۲۰)، «علفهای هرز» (متی ۱۳: ۳۶-۴۳) و «تور ماهیگیری» (متی ۱۳: ۴۹-۵۰). شرح این مثلها حالتی کمابیش کنایه ای دارد زیرا به تفسیر تک تک جزئیات و شخصیتها می پردازد: دانه همان کلام است، علفهای هرز پسران آن شریر می باشند و غیره. در اینجا نیز اگر کسی به اصل جولیکر معتقد باشد نمی تواند توضیح این مثلها را به عیسی نسبت دهد. در آخر باید اضافه کرد که در انجیل چهارم چندین استعاره و کنایه ساده دیده می شود مانند: «من نان زنده هستم» (۵۱: ۶)، «من در هستم» (۹: ۱۰)، «من شبان نیکو هستم» (۱۱: ۱۰) و مثل مو و شاخه هایش (۱۵: ۱-۶). با اعتقاد به اصل جولیکراین ها را نیز باید رد کرد.

امروزه محققین به مخالفت با اصل جولیکر برخاسته اند. وی همانند اکثر انقلابیون گرایش بیش از اندازه ای به فرضیات داشت. ما نه می توانیم در پی بازگشت به تفسیر پدران کلیسا باشیم که طبق آن مثلها کنایه محسوب می شوند و نه می توانیم از تشخیص اینکه بسیاری از مثلها با وجود دارا بودن یک نکته اصلی، خالی از صور کنایه ای نیستند خودداری کنیم.

مثلها بوده اند اما در عصر حاضر واکنشی شدید بر ضد این تمایل وجود دارد که رهبری آن را یک محقق پروتستان از کشور آلمان بنام آدولف جولیکر (Adolf Julicher) بعهده دارد. او در کتاب دو جلدی خود که در باب مثلها نگاشته (۱۸۸۸ و ۱۸۸۹)، و روش کنایه را که هجده قرن متداول بود مردود شمرده و مثلهای عیسی را تنها داستانهای ساده اخلاقی می داند. به عقیده او مثلها فقط دارای یک نکته اند و نباید در لابلای جزئیات و شخصیتها مثل بدنبال کنایه بگردیم زیرا کنایه شیوه بیان ادبی است حال آنکه عیسی واعظی ساده بود.

نتایج گسترده حاصل از این نگرش (که طرفداران زیادی پیدا کرد)، بسیار جدی می باشند. بنظر می رسد که بعضی از مثلهای عیسی آنطور که در اناجیل آمده اند، شخصیتهای کنایه ای واضحی ندارند. بعنوان نمونه در مثل «باغبانان در تاکستان» (مرقس ۱۲: ۱-۱۱)، صاحب (خدا) تاکستان (اسرائیل) خادمان خویش (انبیاء) را نزد باغبانان (رهبران یهود) می فرستد. با خدمتکاران بد رفتاری می شود تا اینکه بالاخره صاحب باغ پسر خود (عیسی) را می فرستد که او را می کشند. واضح است که این تفسیر شیوه کنایه ای تمام عیار پدران کلیسا نیست اما شخصیتها بدون شک جنبه سمبولیک دارند. اگر بخواهیم اصل جولیکر را بطور صرف بپذیریم، چهره های کنایه ای این مثل به این معنی است که نمی توان این مثل را به عیسی نسبت داد بکله باید آن را ابتکار ادبی کلیسای

یعنی پارویمیا (Paroimia) استفاده شده که شامل شماری از شیوه‌های بیان می‌باشد (۲۵:۱۶). در یوحنا ۱۰:۱-۱۶ ترکیب جالبی از مثل، استعاره و کنایه دیده می‌شود.

۲- مثل‌های انجیل

خداوند ما تصاویری را از زندگی روزمره می‌گرفت که بخاطر گویایی و رنگ داستانی آنها توجه شنوندگان را جلب می‌کرد. این تصاویر باعث می‌شد تا شنوندگان پیام عیسی را بهتر بفهمند و در عین حال غالباً دارای یک پیچیدگی عجیب و تازه بود که با ایجاد و تداوم تردید در دل شنوندگان، آنها را به تفکر و جستجو وادار می‌داشت. شایسته است که در مورد این خصوصیات، مطالعه دقیق و مفصلی بعمل آید.

۱- نمونه‌هایی از زندگی روزمره

این تصاویر قبل از هر چیز از زندگی عادی مردم گرفته می‌شد. عیسی با محیط روستایی جلیل که شامل مناظر کشت و زرع و چوپانی و صحنه‌های خانوادگی در خانه‌های ساده تک اطاقی بود، آشنایی

دیده‌گاه مثل‌ها سامی است

اگر جولیکر بجای اینکه مثل‌های عیسی را از تقسیمات فنی آیین سخنوری کلاسیک بشناسد آنها را از دیده‌گاه سامی شناخته بود به این موضوع پی می‌برد. عبرانیان برای این شیوه‌های بیان فقط واژه مَثَل (جمع مَثَلِیم) بکار می‌برند که کلیه تقسیمات یونانی را در بر می‌گیرد. در میان مَثَلِیم کتب عهد عتیق و آثار ربی‌های یهود، به ضرب‌المثل، پند، سمبل، چیستان، مثل، کنایه و حکایت برمی‌خوریم. تفکر عهدجدید در باب «مثل» که از واژه یونانی «پارابولی» (Parabole) گرفته شده با «مثل» در زبان عبری مترادف است. مشتقات آن عبارتند از: ضرب‌المثل و (لوقا ۴:۲۳)، پند اخلاقی (لوقا ۷:۱۴-۱۱)، چیستان (مرقس ۷:۱۵-۱۷)، مثال (لوقا ۵:۲۱-۵)، بیان مجازی (مرقس ۴:۳۳)، تشبیه (متی ۱۳:۳۳)، استعاره (متی ۵:۱۴) و بالاخره مثل و همینطور مثلی که ویژگی‌های ساده کنایه‌ای دارد. بنابراین «مثل» می‌تواند از یک استعاره یا تشبیه کوتاه تا داستانی بلند را در بر بگیرد. تقسیم بندی‌هایی که در تئوری جولیکر وجود دارد برای عیسی عجیب و غریب خواهد بود و نمی‌توان آن را خودبخود برای تفسیر مثل‌های او بکار برد.

در خاتمه این قسمت باید اضافه کرد که واژه «مثل» را نمی‌توان در انجیل چهارم یافت بلکه از واژه مترادف یونانی دیگری

ندارند ایجاد اشکال می کند در حالیکه در زمان عیسی بدین صورت نبود. این تطابق حتی برای کسانی که چیزهایی از زندگی روستایی می دانند، روشهای قدیمی کمی عجیب و سردرگم کننده بنظر می رسد.

مثلاً آیا عجیب نیست که برزگر بذر خویش را بر راهها بیفشاند؟ چرا در شیارها بذر افشانی نمی کند؟ یا آنکه آیا نمک واقعاً می تواند بی مزه شود؟ چنین مسایلی را فقط می توان با مطالعه دقیق نحوه زندگی مردم فلسطین در قرن اول روشن کرد.

از طریق مطالعه پی بریم که در کشاورزی فلسطین، هر چند وقت یکبار پیش از شخم زدن بذرافشانی می شد و سپس معابری که از میان مزرعه می گذشت پس از آنکه بذر افشانی می شد به زیر شخم می رفت. در صد ناخالصی نمکی که از بحرالमित بدست می آمد بالا بود. بالاخص مواقعی که از آن برای ساختن تنورهای نان استفاده می شد، حرارت باعث تجزیه شیمیایی آن می گردید بنا براین می بایست نمک را مرتباً عوض کرده و دور انداخت.

۲- فنون داستانسرایی

در وحله دوم، داستانهای زنده و گویایی در مثلها وجود دارد که تمام فنون داستانسرایی در آنها بکار رفته است. مثلاً این نکته قابل توجه است که در داستانهای کوتاه غالباً قانون «سه تایی» حاکم

داشت (لوقا ۱۱: ۵-۸). منازل ثروتمندان از دید خدمتکاران و غلامان فقط از در آشپزخانه مشاهده می شد. کشاورزی در زمینهای پست وسیع و هموار نمی شد بلکه بر تپه ها و در قطعه زمینهای کوچک با حصارهایی از سنگ و بوته های خار انجام می گرفت (مرقس ۴: ۵-۷). الاغها، گوسفندان، گرگها و پرندگان، دانه ها، گندم و درو، سوسنهای چمن و درختان میوه، قطعات زمین و مشکهای شراب و چراغها، کودکان در بازار، کارگران و بازرگانان، همه تصاویری آشنا و عادی بودند، جالب اینجاست که با وجود عده ای ماهیگیر در میان دوازده شاگرد عیسی، تنها یک مثل درباره ماهیگیری وجود دارد (متی ۱۳: ۴۷-۵۰) و این استدلالی جالب بر ضد این ادعاست که بیشتر مثلها را نه خود عیسی بلکه شاگردان وی که بعدها در کلیسا تعلیم می دادند، گفته اند.

تصاویری که بوسیله مثل بیان شده اند بطور بی نظیری با دستجات بهم آمیخته مردمی که عیسی را پیروی می کردند تناسب دارند. او برای شبانان داستان گوسفند گمشده را نقل می کرد در حالیکه بعد از آن برای زنان خانه دار از یک سکه گمشده سخن می گفت (لوقا ۱۵: ۱-۱۰). در متی ۱۳: ۳۱-۳۳ به دو مثل «زنانه- مردانه» مانند مثلهای فوق الذکر بر می خوریم: مثل دانه خردل برای کشاورزان و خیمرمایه برای زنان خانه دار. این تطابق اکنون با طرز تفکر رایج زمان ما، برای ساکنان مرفقی شهرها در قرن بیستم که زندگی پیچیده ای دارند و از کشاورزی و چوبانی اطلاع چندانی

آگاهی از ناراستی مباشر خود (لوقا ۱۶:۱) به وی اجازه دهد که بدون سرپرستی او به حسابهایش رسیدگی کند و بر اموال او نظارت داشته باشد؟ باز اگر بپرسیم که چرا ارباب می خواست ابتدا دستمزد آخرین کارگران را بدهد (متی ۲۰:۸). به این دلیل است که اگر کارگرانی که تمام روز کار کرده بودند اول دستمزد خود را می گرفتند براه خود می رفتند و هیچگاه پی نمی بردند که همه مزد یکسانی گرفته اند. و اگر باکره های دانا آنطور که می بایست سخاوتمند بوده و روغن خود را با باکره های عاقل تقسیم کرده بودند، ما باز هم داستانی نداشتیم.

۳- تازگی و بیدارگری مثلها

با این همه، در داستانهایی که عیسی می گفت غالباً پیچیدگی عجیب و غریب یا تازه ای وجود دارد که باعث هشجاری و توجه شنوندگانش می شد. از شباهتهایی که بین بعضی از مثلهای او و مثلهای ربی ها وجود دارد می توان حدس زد که امکان دارد گاهی از داستانهای معروف استفاده کرده باشد و پایان جدیدی برای آنها ساخته باشد. مثلاً به احتمال قریب به یقین سه شخصیت کاهن، لای و سامری در افسانه ها و حکایات مذهبی شخصیت های ثابتی بوده اند. اما وقتی که عیسی این داستان را می گفت، شخصیت سوم یک سامری منفور بود. تصویر باجیگری که از فریسی عادلتر می باشد

است. سه شخصیت ظاهر می شوند و نکته اصلی داستان در شخصیت سوم است. همین قانون در مثلها نیز مشاهده می شود بطوریکه نکته اصلی تصویر در شخصیت سوم نهفته است: قنطارها به سه خدمتکار داده می شود، یک کاهن، یک لای و یک سامری از کنار مردی که بدست دزدها افتاد می گذرند. در روایت متی، صاحب تاکستان توسط دو گروه از خدمتکارانش و سرانجام پسر خود حق اجاره خویش را مطالبه می کند.

روش دیگر داستانسرای، گفتگوی مستقیم است. ما بندرت افکار یک شخص را در سوم شخص می شنویم. در اینجا شخصیتها با خودشان بلند حرف می زنند تا به افکارشان پی ببریم. مثلاً فریسی و باجگیر» (لوقا ۱۱۱۸-۱۴) و «ثروتمند نادان» (لوقا ۱۶:۱۶-۲۱). در این روش هر دفعه فقط یکی از شخصیتها سخن می گوید. در نتیجه با داشتن سه شخصیت در مثل قنطارها، گفت و شنود مستقیم سه بار تکرار می شود (متی ۲۵:۱۴-۲۸). مثلهای چون «پسر گمشده» (لوقا ۱۵:۱۱-۳۲) و «مباشر زیرک» (لوقا ۱۶:۱-۱۸) درامهای کوتاهی هستند که می توان آنها را روی پرده به نمایش در آورد.

اگر مثلها را داستان بحساب آوریم دلیل پیش آمدن خصوصیات عجیب و تناقضها را بهتر خواهیم فهمید. منطقی بودن بیش از حد ما می تواند برانگیزاننده سؤالات بسیاری باشد که پاسخ اکثر آنها چنین است: «این بخاطر داستان است.» آیا امکان دارد که ارباب با

و مرگ او بر صلیب را بطنه نزدیکی با یکدیگر دارند (مرقس ۱۲:۱۲). هیچکس را به این سادگی و تنها بخاطر تعالیم اخلاقی نمی کشند.

عیسی همیشه سعی داشت تا شنوندگانش را شخصاً در مبارزه طلبی مثلهايش درگیر کند. بارها از آنان پرسید: «شما چه فکر می کنید؟» و آنها را وادار می کرد تا هدف داستانهای تمثیلی او را مورد قضاوت قرار دهند. نمونه های خوبی از این مورد در متی ۲۱:۳۱ و لوقا ۷:۴۲ دیده می شود که عیسی پاسخ شنوندگانش را به خودشان برمی گرداند. متن انجیل متی در مورد مثل «باغبانان در تاکستان» نشان می دهد که خود شنوندگان بر آن دسته از رهبران یهود که عیسی را رد کردند داوری می کنند (متی ۲۱:۴۱، مقایسه کنید با مرقس ۹:۲۱). در سراسر انجیل اشتیاق عیسی را می شنویم که می گوید: «هر که گوش شنوا دارد، بشنود».

۴ - هدف مثلها

این واقعیت که بعضی از مثلها می بایست توسط مسیح برای شاگردانی که آنها را نفهمیده بودند، تشریح می شد (مرقس ۴:۱۰ و ۳۴، متی ۱۳:۳۶، یوحنا ۱۶:۲۹) این سؤال را پیش می آورد که هدف مثلها چیست؟ گواهی محکم اناجیل این است که مثلها پیام عیسی را قابل فهم می ساختند. با این وجود متنی که در آن

مردم را سخت متحیر کرده باشد. چه کسی می تواند انتظار داشته باشد که پسر گمشده و بی فکر از پسر بزرگتر که در خانه مانده است شخصیتش بیشتر قابل همدردی باشد؟ اگر بیاد داشته باشیم که تفکری عامیانه در تفکری عامیانه در زمینه الهیات وجود داشت مبنی بر اینکه تمام یهودیان نهایتاً رستگار می شوند، می توانیم بخوبی تصور کنیم چگونه عده ای باید از ترسیم آن فرزند ثروتمند ابراهیم که به شکنجه ابدی گرفتار می شود، رنجیده باشند (لوقا ۱۶:۲۴-۲۶). و آیا تمجید از مباشر زیرک و در عین حال نادرست (لوقا ۱۶:۸) امروزه برای ما ناراحت کننده نیست؟

بنا بر این غالباً در مثلهای عیسی یک نوع مبارزه طلبی بچشم می خورد که مبارزه طلبی ملکوت خدا می باشد. جولیکر به اشتباه، مثلها را بعنوان درسهایی اخلاقی در نظر گرفت و ایده خود را در الهیات آزادیخواه قرن نوزدهم بسیار متداول نمود، بدین معنی که عیسی را تا حد واعظی که اخلاقیات نیکو را موعظه می کند پایین آورد. بعضی از مثلها مانند «سامری نیکو» حمله تکان دهنده ای به سیاست مذهبی استقرار یافته آن زمان بود. مثلهای دیگری مانند «باغبانان در تاکستان» و «قنطارها» تهدیدی بر داوری قریب الوقوع رهبران یهود بود. و باز برخی دیگر همچون «بزرگر» و «دانه خردل» دفاع از کندی و بی اهمیت بودن رسالت خویش در جلیل بود. انجیل نویسان بعضی از مثلها را در روزهای قبل از مرگ عیسی جا داده اند. این نشان می دهد که تا چه حد تعلیم تمثیلی عیسی

به این دلیل بود که آنان از پذیرش پیام نافذ مثلها خودداری می کردند نه آنکه از نظر عقلانی قادر به درکشان نبودند. این بدان معنی نیست که مثلها همیشه برای همه کس روشن بودند. تصویر عیسی از ملکوت خدا با پادشاهی سیاسی داود که همه مردم در انتظارش بودند کاملاً متفاوت بود. بنابراین بیان تمثیلی او از ملکوت، اغلب می بایست برای شاگردانش توضیح داده می شد. همچنین در ادبیات مکاشفه ای رایج، مثلها با صور رمزی برای توصیف سر بسته ای از نجات نهایی خدا بکار می رفتند. عیسی در توصیف جزئیات کار آینده خدا برای برقراری قطعی ملکوت احتیاط می کرد (متی ۲۴:۳۶، اعمال ۱:۶-۷). مثلها می توانستند طبیعت واقعی و عاقبت ملکوت خدا را آشکار کنند بدون اینکه باعث پیدایش دیدگاهی مبهم و بی معنی درباره آینده شوند. به این ترتیب، ابهامی که جزو نهاد زبان سمبلیک می باشد، هدف عیسی را عملی می ساخت. مرقس ۴:۳۳ در مورد مثل مربوطه چه خوب گفته: «و به مثلهای بسیار مانند اینها به قدری که استطاعت شنیدن داشتند کلام را به ایشان بیان می فرمود.»

مثل بزرگتر از توضیح آن جدا شده (مرقس ۴:۱-۱۲) به شاگردان گفته می شود: «... به آنانی که بیرون اند همه چیز به مثلها می شود تا نگران شده بنگرند و نبینند و شنوا شده بشنوند و نفهمند.» پس آیا هدف مثلها گیج کردن و تیره ساختن اذهان مردم بود؟

امروزه بسیاری از نویسندگان دریافته اند که این متن در واقع خلاصه ای از نتایج موعظه ملکوت خدا بصورت مثل است و نه هدف آن. اکثریت شنوندگانی که می دیدند و می شنیدند اما از درک کردن و فهمیدن خودداری می کردند، مبارزه طلبی و بیدارگری مثلها را رد می نمودند. این مثلها شمشیر داوری بودند. یکی از سؤالات داغ در زمان نگارش اناجیل این بود که چرا رسالت عیسی در میان مردم بیشتر از این پذیرفته شد (ر.ک یوحنا ۱۲:۳۶-۴۰). جواب متعارف این سؤال را از زبان اشعیاء بشنویم: «... خواهید شنید، اما نخواهید فهمید، خواهید نگرست اما درک نخواهید کرد» (اشعیاء ۶:۱۰). انبیا نیز از طریق «مثل» (دوم سموئیل ۱۲:۱-۱۰) و «کنایه» (اشعیاء ۵:۱-۷) موعظه کرده بودند اما قوم اسرائیل را به توبه نکشانده بودند. کلام تلخ و دردناک کتاب مقدس که بی ثمر بودن رسالت اشعیاء را توصیف می کند بعنوان پیشگویی ناکامی خدمت خود عیسی تلقی شده است. این نقل قول اشعیاء را نه تنها در هر چهار انجیل بلکه در سخنان پولس نیز (اعمال ۲۸:۲۶-۲۷) می توان یافت.

بنابراین اگر مثلها ذهن و قلب و انسانها را تیره و تار می ساختند

که می‌گوید: «او هیچگاه نه خداوند را شنید و نه از همراهان او بود» (پاپیاس). لوقا یک مسیحی غیر یهودی بود که اولین برخوردش با مسیح از طریق فعالیت تبشیری پولس صورت گرفت. ظاهراً تنها استثناء در این مورد متی است. طبق روایت (پاپیاس) متی یکی از دوازده شاگرد عیسی، نویسنده مجموعه‌ای از گفتارهای خداوند به زبان آرامی (قدیمی‌ترین انجیل) بود اما این مجموعه امروزه دیگر وجود ندارد. انجیل یونانی که امروزه آن را بنام انجیل متی می‌شناسیم چنانکه از نامش پیداست، احتمالاً با انجیل متی بزبان آرامی نسبتی نزدیک دارد. بهر حال متن آن تحت تأثیر و نفوذ عناصر بسیاری از منابع دیگر می‌باشد و اکثراً باور دارند که انجیل نگاری که انجیلش به شکل امروز در کلیسا پذیرفته شده، خود شاهد عینی رسالت عیسی نبود بلکه بیشتر بنظر می‌رسد که یکی از شاگردان مکتب متی بوده باشد.

گوناگونی روایات

این واقعیت که انجیل نویسان خود شخصاً شاهدان عینی گوناگونی بسیار در تسلسل وقایع و تعیین مکانها را در انجیل نظیر توجیه می‌کنند. البته این بدان معنی نیست مطالبی که آنها درباره عیسی روایت می‌کنند غیر واقعی و بی‌ارزش است، (اخیراً هشدار از روم مبنی بر محترم شمردن اصلیت تاریخی انجیل داده شده است). کهن‌ترین روایت در این باره می‌گوید که این انجیل نگاران



۳- مسائلی که در مثلها با آنها

روبرو می‌شویم

برای فهم برخی از این مسایل، ابتدا شخص باید ارتباط بین نویسندگان سه انجیل او را با روایاتی که بازگو می‌نمایند بفهمد. (یوحنا قدیس شامل این بحث نمی‌شود زیرا انجیل چهارم حاوی تعداد بسیار اندکی مثل است). این انجیل نگاران خود سخنان عیسی را نشنیده بودند. قدیمی‌ترین روایت مربوط به مرقس است

انسان سال، روز و محل گفته شدن کمتر داستانی را بخاطر می آورد.

۱- مثل‌های مشابه در موقعیتهای مختلف

پس اولین مسئله ما ارزیابی موقعیتهای است که مثل‌های اناجیل در آنها یافت می شوند. ممکن است یک مثل با چندین موقعیت مختلف در اناجیل مختلف دیده شود. به همین طریق متی مثل «جشن عروسی» را با زمینه‌ای اورشلیمی، پس از تطهیر معبد (متی ۲۲:۱-۱۰) قرار می دهد، در حالیکه لوقا (۱۴:۱۵-۲۴) مثل «ضیافت» را (که به احتمال زیاد در اصل همان مثل «جشن عروسی» می باشد) در حین مسافرت به اورشلیم یعنی مدتها پیش از تطهیر معبد جای می دهد. بعضی از مثلها که متی آنها را در موعظه «برفراز کوه» گنجانده است، لوقا همانها را در جاهای دیگری بکار برده است (ر. ک متی ۵:۱۳ و لوقا ۱۴:۳۴-۳۵).

شنوندگانی که در اصل مخاطب این مثلها بودند بخشی از همین مسئله می باشند. بسیاری از مثلها باید عاقبتاً خطاب به دشمنان عیسی، مخصوصاً فریسیان بوده باشد. اما با موعظه مثلها در کلیسا، طبیعتاً از اهمیت فریسیان کاسته شد. بعنوان مثال این متشرعین یهودی چه اهمیتی می توانستند برای کلیساهای یونانی پولس داشته باشند؟ آنچه اهمیت داشت ارزش مثلها برای مسیحیان و زندگی آنها بود. بنابراین ببینیم که در اناجیل (که روایات کتبی پیام اعلام شده

مطالب خود را از تعالیم کسانی که شاهد عینی بوده اند کسب می کردند. اما از آنجا که داستانها با هیچگونه علائم زمانی و مکانی همراه نبودند، برای انجیل نگاران مشکل بود که از زمان و مکان گفته شدن آنها توسط عیسی مطمئن باشند. این مشکل بویژه در مورد مثل‌هایی شدت می یابد که شفاهاً در کلیسا بصورت واحدهای جداگانه نقل می شد. کسی که با عیسی نبود چطور می توانست بداند که عیسی چه موقع مثل «مباشر زیرک» یا «فریسی باجگیر» را گفته بود؟ هر انجیل نگار می بایست برای آنکه بهترین قسمت را برای گنجاندن یک مثل بخصوص در سلسله متون انجیلش انتخاب کند به قضاوت خود اتکا نماید.

ممکن است کسی به اعتراض بگوید انجیل نگاران می توانستند درباره زمان و مکان دقیق اولین روایت مثلها از شاهدان عینی سؤال کنند. این ایراد در بردارنده دو فرضیه می باشد که در صحتشان تردید وجود دارد. یکی آنکه انجیل نگاران دانشمندان محقق بودند که بدنبال جزئیاتی می گشتند که در امر نجات اهمیتی نداشتند. اناجیل بجز مباحث مربوط به سبت نشان می دهند که علاقه چندانی به تعیین زمان و مکان وقایع در طول خدمت عیسی در جلیل ندارند. این ایراد ضمناً در بردارنده این فرضیه است که سی تا پنجاه سال پس از وقایع، شاهدان عینی بخاطر می آوردند که عیسی در چه بعداز ظهری و در کدام محل یک داستان گفت. چه کسی می تواند داستانی را که پدرش در گذشته های دور برایش گفته بیاد آورد؟

(۱:۵). مسیح در اینجا محبت برادرانه را ترغیب و نفرت را منع می‌نماید (۲۱:۵-۲۴)، و از این مثل استفاده می‌کند تا به شاگردان هشدار دهد که بخشش داشته باشند.

بخاطر احتمال وجود موقعیتها و شنوندگان گوناگون، اغلب پیش می‌آید که یک مثل در اناجیل مختلف دارای معانی مختلفی باشد. گفتار استاد از لحاظ معنی غنی بود، و هر انجیل نویس نکات ظریف و دقیقی از آنرا می‌گیرد که بیشترین تناسب را با مردم زمان و محل خود داشته باشد. مثل «چراغ» در این مورد بهترین نمونه است. عیسی از تصویر چراغ استفاده کرد که نه برای پنهان گشتن، بلکه برای دیده شدن است. مرقس ۴:۲۱ این نقش را در فصلی که مختص مثلهاست قرار داده و آنرا برای توضیح دلیل سخن گفتن به مثلها بکار می‌برد (۴:۱۰): آنچه به مثل گفته می‌شود بالاخره روزی باید روشن شود. متی ۵:۱۴-۱۶ این مثل را بعنوان قسمتی از «موعظه بر فراز کوه» خطاب به شاگردانی ذکر می‌نماید که به آنان گفته شده: «شما نور عالمید». روشنایی آنها برای ماندن در خفا نیست، بلکه برای درخشیدن در مقابل انسانهاست. لوقا ۱۱:۳۳ حاوی سومین موقعیت و اشاره ضمنی این مثل می‌باشد. انبوه مردم بدنبال نشانی می‌گردند، و عیسی به آنها می‌گوید که او بعنوان «پسر انسان»، همان نشان است. وی نوری است که باید دیده شود، ولی چشمان آنها به آن عادت ندارد.

در چنین موردی، دریافتن اینکه کدامیک پرداخت اصلی مثل

نجات هستند) بیشتر مثلها خطاب به شاگردان می‌باشد. مثل گوسفند گمشده که در مورد توجه به گمراهان و مطرودین است بویژه نمونه خوبی از این تغییر موضوع در مثلها می‌باشد. در لوقا ۱۵:۳-۷ متوجه می‌شویم که این مثل حمله‌ای است علیه کاتبان و فریسیانی که از رانده شدگان معاشر عیسی بیزار بودند (۱۵:۲). اما متی ۱۸:۱۲-۱۴ این مثل را در موعظه معروف عیسی در باب کلیسا که خطاب به شاگردان است جای داده (۱۸:۱)، بطوریکه این مثل اکنون وظایف مسئولان کلیسا نسبت به مسیحیان سرگردان را نشان می‌دهد. مفاد مثل مذکور روشنگر مفهومی برای زمان انجیل نویس می‌باشد:

بدیهی است اگر عیسی از این مثل بمنظور محکوم ساختن فریسیان بخاطر بی‌توجهی نسبت به اشخاصیکه از نظر آنان گمشده تلقی می‌شدند استفاده کرد، همچنین پیروان وی که عهده‌دار مسئولیت جامعه او می‌باشند، نباید بی‌توجهی مشابهی از خود نشان دهند.

نمونه‌ای مشابه در مثل «مدافع» (لوقا ۱۲:۲۷-۵۹) دیده می‌شود. این داستان درباره مردی می‌باشد که پیش یک قاضی آورده می‌شود و حمله خصمانه‌ای است به مردمان ریاکاری که با لجاجت از دریافتن علائم زمانها خودداری می‌کند (ر.ک ۱۲:۵۴ و ۵۶). عیسی با این مثل به آنها هشدار می‌دهد که داوری نزدیک می‌باشد و بهتر آن است که مسیر خود را تغییر دهند. اما این مثل در متی ۵:۲۵-۲۶ بعنوان قسمتی از «موعظه بر فراز کوه» خطاب به شاگردان است

بنظر می‌رسد که عیسی گاهی مثل‌های خود را بصورت گروهی نقل می‌کرد. این امر مخصوصاً در «مثل‌های دوقلو» دیده می‌شود، مثلاً وصله تازه بر جامه کهنه، و شراب تازه در مشک‌های کهنه (مرقس ۲: ۲۱-۲۲). یا مردی که برج می‌ساخت، و پادشاهی که بجنگ می‌رفت (لوقا ۱۴: ۲۸-۳۲). انجیل نویسان بخاطر نمونه فوق و همچنین بنا بدلایلی که در ابتدای این قسمت آورده شد، مایلند مثل‌ها را بصورت گروهی در روند خدمت عیسی جای دهند. آنها غالباً تمام مثل‌هایی را که دارای یک موضوع هستند، در کنار هم می‌گذارند. مرقس ۴ دارای مجموعه‌ای است از سه مثل درباره دانه. متی ۱۳ مجموعه‌ای است از هفت مثل که به ملکوت آسمان مربوط می‌شود. متی ۲۴: ۳۲ تا ۴۶ در بردارنده هفت مثل می‌باشد که با بازگشت مسیح ارتباط دارند. لوقا ۷: ۱۴-۲۴ دارای سه مثل درباره ضیافت است. لوقا ۱۵ سه مورد باز یافتن آنچه که گمشده بود دارد. لوقا ۱۶ در بردارنده یک سری مثل درباره استفاده صحیح از ثروت می‌باشد.

این نوع گروه بندی، اثرات جانبی مهیوت کننده و جالبی دارد. در بعضی جاها مثل‌هایی که در اصل از یک دیگر مجزا بودند، یکی شده‌اند. خوانند باید با دقت مثل «جشن عروسی» (متی ۲۲: ۱-۱۴) را با مثل «ضیافت» (لوقا ۱۴: ۱۶-۲۴) مقایسه نماید. احتمال دارد که اساس این دو مثل یکی باشد، اما در روایت متی دو مثل دیگر هم در آن ادغام شده‌اند، که یکی از آنها درباره پادشاهی

مذکور در زندگی عیسی بود، مشکل است. (اگر چه بعید نیست که عیسی بعضی از مثل‌ها را چندین بار گفته باشد، با اینحال نمی‌توانیم صادقانه به چنین توضیح غیر مستدلی برای تشریح تمام تفاوت‌های موجود در مثل‌های انجیل استناد نمائیم.) بعضی اوقات با پژوهشی تحقیقاتی می‌توانیم موقعیتی را که در آن مثلی احتمالاً برای اولین بار گفته شده است، تا اندازه‌ای دقیق تعیین کنیم. ولی باید از تعبیرهای دلخواه اجتناب نماییم. امروزه برخی متخصصین با تأکید بر اینکه مثل‌ها دارای خصلت مبارزه طلبی بودند، سعی دارند همه آنها را بعنوان حمله به فریسیان تعبیر نمایند. بهتر است بجای آنکه مثلی را بزور در چنین محدوده تفسیری فشرده‌ای قرار دهیم، متواضعانه اذعان نماییم که گاهی قادر به کشف موقعیت اصلی آن نیستیم. خشنود کننده می‌بود اگر می‌توانستیم درباره موقعیت اصلی تاریخی که هر مثل بر اساس آن گفته شده، پاسخهایی علمی پیدا کنیم، ولی انجیل‌ها برای رضای کنجکاوی تاریخی اشخاص نوشته نشده‌اند. ما در انجیل تفسیر الهامی مثل‌ها را طبق فکر عیسی، و استفاده از آنها را مطابق با نیازهای مسیحیان مشاهده می‌کنیم. این تاریخی است که در امر نجات ارزشمند می‌باشد.

۲- گروه بندی مثل‌ها

دومین مسئله درباره گروه بندی مثل‌هاست. از دیدگاه تاریخی

می بینیم که در اصل جداگانه بوده و راجع به مردی است که به یک جشن عروسی دعوت شده بود، ولی بخودش زحمتی برای پوشیدن لباس مخصوص نداده بود. مثل‌های «ضیافت» و «جامه عروسی» بدو دلیل در متی پهلوی هم گذاشته شده‌اند: (الف) هر دو راجع به جشن بودند. (ب) مثل «جامه عروسی» تفسیر غلط مثل «ضیافت» را تصحیح می‌کرد. در مثل «ضیافت» می‌شنویم که «خوب و بد هر دو» (متی ۲۲:۱۰) بداخل آورده شدند. این ممکن است بدین معنا تفسیر شود که زمانیکه یک مسیحی دعوت به ایمان قبول می‌کند، مهم نیست که آدم خوبی است یا بد. در حالیکه مثل «جامه عروسی» تأکید بر شرایط اخلاقی خاصی را نیز نشان می‌دهد.

با مقایسه مثل «سکه‌ها» (لوقا ۱۹:۱۱-۲۷) و «قنطارها» (متی ۲۵:۱۴-۳۰) به نمونه دیگری از مثل‌های ادغام شده بر می‌خوریم. وجود اختلاف در جزئیات، احتمال آنکه این دو از متن یک مثل ریشه گرفته باشند را تقلیل می‌دهد (به ذیل مراجعه فرمایید). اما بهر حال در متن لوقا مثلی دیگر وارد شده است. مثل اصلی مربوط به مردی است که عازم سفر بوده و به خدمتکارانش پولی می‌سپارد. اما در سرتاسر روایت لوقا از این مثل جزئیات عجیبی وجود دارد که در متی پیدا نمی‌شود: آن مرد عازم سفر است تا پادشاه شود (خط ۱۲)، زیر دستانش فرستادگانی در پی او گسیل داشته تقاضا می‌کنند که پادشاه نشود (خط ۱۴)، او بهنگام مراجعت یاغیان را تنبیه می‌کند (خط ۲۷).

است که شهر کسانی را که با رد کردن دعوت وی و کشتن خدمتکارانش به او توهین کرده‌اند، نابود می‌سازد (متی ۲۲:۷-۸). این رویداد نه تنها در شرح مثل «ضیافت» توسط لوقا دیده نمی‌شود، بلکه در واقع ارتباط منطقی چندانی هم با آن ندارد. غذا را از قبل روی میز چیده‌اند. آیا گمان می‌بریم در حالیکه پادشاه به جنگ دامن می‌زد، غذا روی میز نگاه داشته شده بود و پس از جنگ هم هنوز بر جای و آماده صرف شدن بود؟ بیشتر بنظر می‌رسد که در اینجا اجزای تشکیل دهنده مثلی را مشاهده می‌کنیم که در اصل مستقل بوده و با مثل «جشن» یا «ضیافت» در آمیخته است (که فرم اصلی تر آن در لوقا بهتر دیده می‌شود).

دومین مثلی که در مثل «جشن عروسی» متی ادغام گشته، در خط ۱۱-۱۴ یافت می‌شود که آنرا هم نمی‌توان در لوقا دید. این مثل اضافه شده مربوط به مردی است که با نپوشیدن جامه عروسی به میزبان خود توهین کرده است. نتیجه امر با آنچه که اول اتفاق می‌افتد، مفسرین را دچار زحمت کرده است. زیرا اگر میهمانان را فی‌البداهه از کوچه و خیابان جمع کرده‌اند، چرا انتظار می‌رود که آنان همگی جامه‌هایی مخصوص آن موقعیت پوشیده باشند؟ سایرین از کجا جامه‌های مخصوص عروسی پیدا کرده بودند؟ مفسران با زیرکی همیشگی خود به این نتیجه رسیده‌اند که جامه‌های عروسی دم در مجاناً داده می‌شد. اما هیچ دلیل و مدرکی دال بر وجود چنین رسمی در فلسطین زمان عیسی در دست نیست. در واقع اینجا مثلی

حکیمانه‌ای از سخنان عیسی نیز بخاطر شباهت در موضوع یا کاربرد لغات ما مثلها تلفیق شده‌اند. این پندهای اخلاقی الزاماً مثلها را تفسیر نمی‌کنند، و شاید تنها به این علت تلفیق گشته‌اند که آنجا برای نقل چنین پند اخلاقی مناسب‌ترین محل بوده است.

البته گفتن اینکه پندی اخلاقی با مثلی تلفیق شده و در اصل قسمتی از آن نبوده است، آسان نیست. بعضی اوقات چنین می‌توانیم بگوییم، زیرا همان پند اخلاقی جایی دیگر در اناجیل با زمینه‌ای کاملاً متفاوت و بهتر آمده است. برای مثال، «هر که خود را برافرازد، پست گردد» در لوقا ۱۸:۱۴ (مثل فریسی و باجگیر)، لوقا ۱۱:۱۴ (نشستن در پایین سفره)، و متی ۲۳:۱۲ (در ارتباط با فروتنی شاگردان) آورده شده. مشکل است که بگوییم این پند در اصل به کدام قسمت تعلق دارد. اما این امر مثلاً با آن فریسی که فروتن نمی‌گردد هیچ ارتباطی ندارد. همچنین پند اخلاقی «آخرین اولین خواهند شد، و اولین آخرین» در انتهای مثل «کارگران در تاکستان» آمده است، یعنی جاییکه ارتباط چندانی با معنای حقیقی آن مثل ندارد. ظاهراً پند مزبور فقط به این دلیل در این جا ضمیمه گشته است که به کارگران آخر استخدام شده، اول دستمزد داده شد. این پند همچنین در متی ۱۹:۳۰ (مرقس ۱۰:۳۱، لوقا ۱۳:۳۰) در زمینه داوری دیده می‌شود.

بعضی اوقات چنین کاربردهایی از انواع دیگر در دست نداریم که راهنمای ما باشد، و باید صرفاً به حس عنوان یک اصل تکیه کنیم:

چنین بنظر می‌رسد که این جزئیات تشکیل دهنده مثل دیگری هستند. باید توجه داشته باشیم که لوقا ۱۹:۱ محل نقل مثل را در نزدیکی اریحا، یعنی جاییکه قصر زمستانی هیروودیس ها قرار داشت تعیین می‌نماید. امکان دارد این مثل از تاریخ زندگی آرکلائوس (Archelaus) پسر هیروودیس کبیر الهام گرفته شده باشد. او می‌بایست به روم می‌رفت تا امپراطور پادشاهی ویرا بر قلمرو پدرش در یهودیه تأیید نماید. یهودیان یک هیئت نمایندگی برای اعتراض به این امر فرستادند، ولی اغسطس (Augustus) آرکلائوس را بعنوان فرمانروای یهودیه تأیید کرد. دوران کوتاه سلطنت او به خونریزی و شقاوت آلوده بود. ممکن است هنگامی که عیسی از اریحا به اورشلیم می‌رفت تا مصلوب شود، نمونه آرکلائوس را پیش کشیده باشد، که نظیر رفتن خودش جهت شکوه یافتن بعنوان پادشاه توسط پدرش و بازگشت وی در داوری بر آنانی که او را رد کردند بود. شباهت موضوع آن با مثل «سکه‌ها» / «قنطارها»، یعنی در آنجا که ارباب به سفر رفت و برای رسیدگی به حسابهای خدمتکارانش بازگشت، سبب شد که این دو مثل بصورت آنچه که اکنون در لوقا می‌بینیم، یکی شوند.

۳- پندهای اخلاقی که به مثلها افزوده شده‌اند

همانطور که مثلها در اناجیل جا داده شده‌اند، پندهای اخلاقی

کننده بی‌امانتی و یا علاقه مفراط به ثروت تصور کند. نمونه مشابه دیگری در سه گفتار راجع به نمک در مرقس ۹: ۴۹-۵۰ دیده می‌شود: تفسیر همه اینها یک مثل واحد غیر ممکن است.

۴- فرمولهای مقدماتی

مسئله چهارم در زمینه فرمولهای مقدماتی است که به این صورت همراه بسیاری از مثلها می‌باشد: «پادشاهی آسمانی مانند...» (این امر بالاخص در متی بفرآوانی دیده می‌شود که ده مثل در مورد پادشاهی یا ملکوت آسمانی دارد، که هر مقایسه با آن، مرقس و لوقا هر یک دارای دو مثل می‌باشند.) اغلب اوقات موضوعی که به ملکوت تشبیه شده بدنبال کلمه «مانند» نمی‌آید. در متی ۱۳: ۴۷ می‌خوانیم: «پادشاهی آسمانی مانند توری است». اما موضوع مورد مقایسه، در واقع نور نیست، بلکه گرفتن ماهی و جدا شدن خوبان و بدان است. در متی ۱۳: ۲۴ می‌خوانیم: «پادشاهی آسمانی مانند این است که شخص در مزرعه خود بذر خوب کاشت.» در واقع آنچه مورد مقایسه می‌باشد، آن شخص نیست بلکه کل وضعیت رشد علفهای هرزه و گندم با یکدیگر تا زمان درو است.

این مشکل را می‌توان با استفاده از ترجمه فرمول مقدماتی حل کرد که امکان مقایسه وسیعتری را به ما می‌دهد. شاید بتوان آنرا اینطور ترجمه نمود: «پادشاهی آسمانی مانند حالت شخص است که...

خوب، فلان پند اخلاقی به فلان مثل نمی‌خورد، همین و بس. پند «دعوت شدگان بسیارند، لیکن برگزیدگان کم» بعد از مثل «جامه عروسی» آمده است (متی ۱۴: ۲۲). با توجه به اینکه در مثل مزبور فقط یک نفر رد می‌شود، بنابراین پند با موضوع مطابقت ندارد. این پند مجدداً در بعضی نسخ انجیل بعد از مثل «کارگران در تاکستان» آمده است (متی ۱۶: ۲۰ ب).

شاید مشهورترین نمونه پندهای اخلاقی ضمیمه شده، مثل مباشر زیرک (بی‌امانت) باشد. در مثل اصلی (لوقا ۱۶: ۱-۸)، عیسی زیرکی و پشتکار مباشر را در آنچه که حیاتی می‌دانست تحسین می‌کند و آنرا بعنوان نمونه‌ای برای شاگردان در نظر می‌گیرد. سپس خط ۹ پندی است در مورد اینکه با ثروت چه باید کرد: آنرا به فقرا بخشند و به این طریق دوستانی برای ابدیت داشته باشند. خط ۱۰ پندی عمومی است که مربوط به امین بودن، حتی در امور جزئی می‌باشد. خطهای ۱۱-۱۲ بیشتر پندهایی درباره قابل اعتماد بودن است و خط ۱۳ از خدمت به ارباب صحبت می‌کند. موضوع پول (مونا) و امانت در همه اینها آشکارا دیده می‌شود و آنها را بیکدیگر نزدیک می‌سازد. اما به هر حال این پندهای عیسی، مثل را تفسیر نمی‌کنند و شاید با اطمینان بتوان گفت که در اصل قسمتی از آن نبوده‌اند. این پندها ممکن است به این دلیل در اینجا بوسیله لوقای قدیس با یکدیگر تلفیق شده باشند که هر گونه سوء تفاهم در درک مثل اصلی را خنثی نمایند، سوء تفاهمی که عیسی را تحسین

است؟ حتی وقتی مثل اضافی «پادشاه و زیر دستانش» را در روایت لوقا از این مثل جدا کنیم (بالا، تحت شماره ۲)، هنوز هم با جزئیات مختلف قابل توجهی روبرو هستیم. در متی سه خدمتکار می بینیم، در لوقا ۱۰ خدمتکار وجود دارد، اما تعجب اینجاست که فقط سه نفر از آنان برای حسابرسی ظاهر می شوند. در متی مبالغ مختلفی پول دیده می شود (۵ و ۱۰ قنطار)، در لوقا همه فقط یک سکه می گیرند، اما باز هم تعجب اینست که اولین خدمتکار در متی، پنج قنطار خود را به ده قنطار افزایش می دهد، همانطور که اولین خدمتکار در لوقا یک سکه را به ده سکه می رساند. تصمیم گیری درباره چنین حالتی واقعاً امکان ندارد. تفسیر پیشنهادی چنین است که «سکه ها» و «قنطارها» از دو روایت متفاوت عیسی گرفته شده اند. اما در موردی دیگر، مثل «ضیافت» (لوقا ۱۴: ۱۶-۲۴) و مثل «جشن عروسی» (متی ۲۲: ۱-۱۰، بدون در نظر گرفتن مثل «انتقام پادشاه» - بالا، تحت شماره ۲) در واقع یک مثل بنظر می رسند.

۵- گوناگونی در جزئیات

آخرین مسئله ای که باید مورد بررسی قرار گیرد، گوناگونی جزئیاتی است که در نقل مثلی یکسان توسط انجیل نویسان مختلف بچشم می خورد. اگر بیاد آوریم که انجیل نویسان داستانهایی را نقل می کنند که طی سالها به روش شفاهی عاقبت به آنها رسیده است، بخوبی می توانیم انتظار داشته باشیم که در این جریان تلخیص و تصفیه، جزئیات متنوع گشته باشند. مثل «باغبانان در تاکستان» در هر سه انجیل نظیر با اوضاع عمومی یکسانی آورده شده (مرقس ۱۲: ۱-۱۱، متی ۲۱: ۳۳-۴۳، لوقا ۲۰: ۹-۱۸). هیچ شکی نیست که روایت مثلی یکسان در هر سه مستتر است. اما جزئیات متنوع می باشند. درمرقس سه بار، و هر بار یک خدمتکار متفاوت، پیش از پسر فرستاده می شود. در متی قبل از پسر، دو گروه خدمتکار فرستاده می شوند. در لوقا نیز مانند مرقس سه بار، و هر بار یک خدمتکار فرستاده می شود. خدمتکار سوم درمرقس بقتل میرسد، حال آنکه در لوقا فقط بیرون انداخته می شود.

در موارد دیگر تنوع جزئیات بقدری قابل توجه است که نمی توانیم مطمئن باشیم که با نسخه ای یکسان از یک مثل سروکار داریم. عیسی می توانست یک مثل را در زمانهای مختلف، بطرق گوناگونی بیان کرده باشد. آیا این حالت در مورد مثل «سکه ها» (لوقا ۹: ۱۲-۲۷) و مثل قنطارها (متی ۲۵: ۱۴-۳۰) نیز صادق



۴- فهرست مثلها

ارائه لیست کاملی از مثل‌های اناجیل نظیر بسیار مشکل است زیرا تعریف مثل خود مشکل می‌باشد. از آنجا که مثل را مترادف مَشَل (mashal) قرار داده‌ایم، تمام شیوه‌های بیانی سخنان عیسی را در زیر خواهیم آورد. بخاطر سهولت کار آنها را به چهار بخش تقسیم می‌کنیم و در عین حال اذعان می‌کنیم که این تقسیم بندی اختیاری و دلخواهی می‌باشد.

ستاره‌ای که در کنار عنوان می‌بینید به آن معنی است که این ش

الف) شباهت: استعاره یا تشبیه‌های کوتاه که بوسیله مشخصات اشیاء اشخاص یا اعمال توصیف شده را تصویر می‌کنند.

عنوان	مرقس	متی	لوقا
طبيب و مريض	۱۷:۲	۱۲:۹	۳۱:۵
مهبانان عروسی و داماد	۲۰-۱۹:۲	۱۵-۱۴:۹	۳۵-۳۴:۵
* وصله	۲۱:۲	۱۶:۹	۳۶:۵
* مشك شراب	۲۲:۲	۱۷:۹	۳۹-۳۷:۵
* ملكوت و خانه منقسم شده	۲۶-۲۴:۳	۲۶-۲۵:۱۲	۱۸-۱۷:۱۱
* مرد زور آور	۲۷:۳	۲۹:۱۲	۲۲-۲۱:۱۱
نمکین شدن به آتش	۴۹:۹		
فاسد شدن نمک	۵۰:۹ الف	۱۳:۵	۳۵-۳۴:۱۴
در خود نمک داشتن	۵۰:۹ ب		
شهری بر روی کوه	۱۴:۵		
چراغ بر چراغدان	۲۱:۴	۱۵-۱۴:۵	۳۳:۱۱، ۱۶:۸
* دانه خردل	۳۲-۳۰:۴	۳۲-۳۱:۱۳	۱۹-۱۸:۱۳
* خمیرمایه	۳۳:۱۳	۳۳:۱۳	۲۱-۲۰:۱۳
گوسفندان بی شبان	۳۴:۶	۳۶:۹	
خمیر مایه فریسیان	۱۵:۸	۱۱ و ۶:۱۶	
* جوانه زدن درخت انجیر	۲۹-۲۸:۱۳	۳۳-۳۲:۲۴	۳۱-۲۹:۲۱
گنج آسمانی	۲۱-۱۹:۶		۳۴-۳۳:۱۲

(ب) مثل: که در یک تصویر گویا و زنده وجود دارد.

عنوان	مرقس	متی	لوقا
غربال		۱۲:۳	۱۷:۳
مدعی		۲۶-۲۵:۵	۵۹-۵۸:۱۲
خس در چشم		۵-۳:۷	۴۲-۴۱:۶
در/دروازه تنگ		۱۴-۱۳:۷	۲۴-۲۳:۱۳
بازی کودکان		۱۹-۱۶:۱۱	۳۵-۳۱:۷
خانه خالی		۴۵-۴۳:۱۲	۲۶-۲۴:۱۱
*بذر افشان	۲۰-۱:۴	۲۳-۱:۱۳	۱۵-۴:۸
*رشد خود بخود دانه	۲۹-۲۶:۴		
*کرکاس و گندم			۲۲-۳۶,۳۰-۲۴:۱۳
*گنج در زمین	۴۴:۱۳		
*تاجر و مروارید	۴۵:۱۳		
*ماهگیر و تور		۵۰-۴۷:۱۳	
*صاحب خانه		۵۲:۱۳	
*گوسفند گمشد		۱۴-۱۰:۱۸	۷-۳:۱۵
سکه گمشده			۱۰-۸:۱۵
*دو پسر		۳۲-۲۸:۲۱	۳۰-۲۹:۷
پشه و شتر		۲۴:۲۳	
خدمتکاران/دربانان بیدار	۳۷-۳۴:۱۳		۳۸-۳۵:۱۲

عنوان	مرقس	متی	لوقا
چشم، چراغ بدن		۲۳-۲۲:۶	۳۶-۳۴:۱۱
پرندگان هوا/کلاغان		۲۶:۶	۲۴:۱۲
گنجشک ها			۷-۶:۱۲
سوسنهای چمن	۳۰-۲۸:۶		۲۸-۲۷:۱۲
درخواست پسر از پدرش	۱۱-۹:۷		۱۳-۱۱:۱۱
گرگان در لباس میش	۱۵:۷		
شناختن درخت از میوه اش	۲۰-۱۶:۷		۴۴-۴۳:۶
خانه بنا شده بر صخره	۲۷-۲۴:۷		۴۹-۴۷:۶
حصاد فراوان، عمل کم	۳۸-۳۷:۹		۲:۱۰
گوسفند در میان گرگان	۱۶:۱۰		۳:۱۰
چون مارهشبار چون کبوتر ساده	۱۶:۱۰		
بیرون پیاله	۲۶-۲۵:۲۳		۴۱-۳۹:۱۱
قبور سفید شده	۲۷:۲۳		۴۴:۱۱
مرغی که جوجه هایش را جمع	۳۷:۲۳		۴۴:۱۳
می کند	۲۷:۲۴		۲۴:۱۷
رعد و برق	۲۸:۲۴		۳۷:۱۷
مردار و کرکسان			۳۲:۱۳

ج) داستان و تمام معیارهای داستان برای تصویر کردن بکار می رود.

عنوان	مرقس	متی	لوقا
* باغبانان در تاکستان	۱۱-۱:۱۲	۳۴-۳۳:۲۱	۱۸-۹:۲۰
* جشن / ضیافت (عروسی)		۱۰-۱:۲۲	۲۴-۱۶:۱۴
* انتقام پادشاه		۷-۶ و ۳:۲۲	
* جامه عروسی		۱۴-۱۱:۲۲	
* قنطارها / سکه ها		۳۰-۱۴:۲۵	۲۶-۱۱:۱۹
* پادشاه و زیر دستانش			۲۷ و ۱۴، ۱۲:۱۹
غلام بی رحم		۳۵-۲۳:۱۸	
کارگران در تاکستان		۵-۱:۲۰	
سامری نیکو		۳۷-۲۹:۱۰	
پسر ولخرج (بدربخشنده)		۲۳-۱۱:۱۵	
ایلعازر		۳۱-۱۹:۱۶	
د) امثال ، معماها و متفرقه			
* ای طبیب خود را شفا بده		۲۳:۴	
نبی در شهر خود	۴:۶	۷:۱۳	۲۴:۴
* نجس شدن از درون	۲۳-۱۴:۷		۱۱-۱۰:۱۵ و
		۲۰-۱۵	

عنوان	مرقس	متی	لوقا
* دزد در شب		۴۴-۴۳:۲۴	۴۰-۳۹:۱۲
خادم در غیاب ارباب		۵۱-۴۵:۲۴	۴۶-۴۲:۱۲
خادم و اراده ارباب			۴۸-۴۷:۱۲
ده باکره	۱۲-۱:۲۵		۲۵:۱۳
داوری بر گوسفندان و بزها	۴۶-۳۱:۲۵		۲۷-۲۶:۱۳
تیشه بر ریشه درخت			۹:۳
دو بدهکار			۴۳-۴۰:۷
دوست سمج			۸-۵:۱۱
* دولتمند نادان			۲۱-۱۶:۱۲
* درخت انجیری ثمر			۹-۶:۱۳
* پایین ترین مکان در مجلس			۱۱-۷:۱۴
مهمانان فقیر			۱۴-۱۲:۱۴
بنای برج			۳۰-۲۸:۱۴
پادشاه جنگجو			۳۳-۳۱:۱۴
مباشر زیرک (خائن)			۸-۱:۱۶
ارباب و خادمان			۱۰-۷:۱۷
* داور فاسد			۸-۱:۱۸
* فریسی و باجگیر			۱۵-۹:۱۸

سوالاتی برای بحث گروهی

- ۱- چرا مطالعه مثلها برای درک اناجیل اهمیت دارد؟
- ۲- معنی کلمه «مثل» از لحاظ ادبی چیست؟
- ۳- شیوه‌های بیان را نام ببرید و آنها را بطور خلاصه توضیح دهید.
- ۴- دیگر شیوه‌های بیان چه تأثیری بر مثلهای اناجیل دارند؟
- ۵- در تفسیرها پدران کلیسا، بر کتاب مقدس مثلها چگونه طبقه بندی شده‌اند؟
- ۶- پدران کلیسا علاوه بر ویژگیهای شخصیتی مثلها چه چیزی دیگری در آنها دیده‌اند؟ یک مثال ذکر کنید.
- ۷- آیا تفسیر پدران کلیسا، مفهوم صحیح مثلها را تغییر می‌دهد؟
- ۸- مهمترین اعتراض به تئوری جولیندر در مورد مثلها چیست؟
- ۹- چرا مطالعه روحیات سامی برای درک صحیح مثلها الزامی است؟
- ۱۰- در کدامیک از اناجیل مثلهای زیادی وجود ندارد؟
- ۱۱- اگر چه خداوند ما از تصویر زندگی روزانه در مثلهايش استفاده می‌کرد، مثلهای او چه فرقی با زندگی معمولی آنها داشت؟
- ۱۲- تنها مثلی که در مورد ماهیگیری وجود دارد چه چیزی را مورد بحث قرار می‌دهد؟
- ۱۳- شرح دهید که چرا انطباق مثلها با روحیات و ذهنیتهای زمان، مشکلاتی برای روحیه عقلی قرون بعد ایجاد می‌کند؟
- ۱۴- در مثلها چه شیوه‌هایی از داستانسرایی بکار رفته؟ شناخت این

۳۹:۶	۱:۱۵	*کور کور را راهنمایی می‌کند
	۴۰:۶	۲۵-۲۴:۱۰
۳۹:۵		شاگرد و معلم
		*شراب کهنه
۱۲-۱۱ و ۱۰:۱۶		بی‌ایمانی
۱۳:۱۶	۲۴:۶	خدمت دو آقا
۳۷:۱۷	۲۸:۲۴	کرکسان



۲۴- آیا امکان دارد که به هنگام گوناگونی در جزئیات یک مثل که اختلاف زیادی دارند در مورد آنها تصمیم گیری کرد؟

شیوه ها چه کمکی به درک مثلها می کند؟

۱۵- مثلهای عیسی بنظر می رسد با مثلهای ربی های زمان او فرق دارند. چگونه؟ مثالهایی از تحیر و شوکه شدن یهودیان در اثر این امر بزنید.

۱۶- خصلت مبارزه طلبی در مثلهای عیسی چه بود؟

۱۷- چگونه می توان هدف مثلها و این واقعیت که مثلها ذهن و قلب مردم را تیره و تار می ساخت توجیه کرد؟

۱۸- آیا نویسندگان سه انجیل اول شاهدان عینی روایات خود بودند؟ پاسخ شما چگونه بر حل مسائل مربوط به مثلها تأثیر می گذارد؟

۱۹- چه عواملی باعث امکان معانی مختلف یک مثل در اناجیل مختلف می شود؟

۲۰- آیا محققین کتاب مقدس همیشه می توانند موقعیت اصلی و اولیه مثلها را تشخیص دهند؟ در چنین حالتی بهترین نظریه محققین چیست؟

۲۱- چند نمونه از مثلهای مرکب و بهم آمیخته ذکر کنید. این واقعه چگونه صورت می گیرد؟

۲۲- ترکیب پندهای اخلاقی با مثلها را چگونه توضیح می دهید؟

۲۳- چه چیزی گوناگونی در جزئیات روایت یک مثل بوسیله انجیل نگاران مختلف را توضیح می دهد؟